

دو متن کهن اسلامی در اروپا

محمدتقی دانش پژوه



۱- فضل القرآن و معالمه و ادبه

ابوعبید قاسم بن سلام هروی (۱۵۴- ۲۲۴ هـ، ۷۷۳- ۸۳۸ م) فرزند برده‌ای یونانی از وابستگان به یکی از دودمان "ازد" که پرستار یا خداوند پدرش بوده است در هرات زاده و از برجستگان زبان شناس بصره بشمار است. او را بغدادی و خراسانی هم خوانده‌اند او در روزگار طاهریان پوشنگی خراسان میزیسته است. از شناختگان هنر قرائت هم هست و او با ابوبکر عبدالله بن سلیمان سجستانی در گذشته ۳۱۶ (سزگین ۱: ۴، ترجمه عربی ۱: ۲۸) از گوناگون قرائتها گزین کرده‌اند. از او است گذشته از دفتری‌های ادب و فقه همین "فضل القرآن و معالمه و ادبه" در شصت و چهار باب بی شماره که اهلورث در فهرست نسخه‌های آلمان (۱: ۱۷۵ ش ۴۵۱) در وصف نسخه Pm 449 آن بابها را بدین گونه برشمرده که بسیار به آنچه در دو نسخه ظاهریه و توینگن آمده است. نزدیک است:

باب قراءة القرآن والاستماع اليه

- باب فضل الحضّ على القرآن و الايضاء به و ايثاره على ماسواه
 باب فضل اتباع القرآن و ما فى العمل به من ثواب و فى تضييعه من العقاب
 باب اعظام اهل القرآن و اكرامهم
 باب فضل علم القرآن و السعى فى طلبه
 باب فضل قراءة القرآن نظرا و قراءة الذى لا يقيم القرآن
 باب فضل حتم القرآن
 باب جملة ابواب قرآء القرآن و نعوتهم و اخلاقهم
 باب حامل القرآن و ما يجب عليه ان ياخذ به من ادب القرآن
 باب ما يستحب لحامل القرآن من اكرام القرآن و تعظيمه و تنزيهه
 باب ما يؤمر به حامل القرآن من تلاوة القرآن و القيام به فى الصلاة
 باب ما يوصف به حامل القرآن من تلاوته بالاتباع و الطاعة و العمل به
 باب ما يستحب للقارئ القرآن من البكاء عند القراءة او فى الصلاة او غير الصلاة
 و ما فى ذلك من العشى
 باب ما يستحب للقارئ اذا مر فى قرائته و ذكر الجنة من المسئلة و ذكر النار من
 التعوذ
 باب ما يستحب للقارئ من تكرار الاية و ترادها
 باب ما يستحب لقارئ القرآن من الجواب عند الاية و بالشهادة لها
 باب ما يستحب لقارئ القرآن عند الترتيل فى قرائته و الترتيل و التدبر
 باب ما يستحب للقارئ من تحسين القرآن و تزيينه بصوته
 باب القارئ يجهر على اصحابه بالقرآن و يوذنههم بذلك
 باب القارئ يعدّ صوته ليلا بالقرآن فى الخلوة به
 باب القارئ يقرأ من السورتين و يقرن بينهما معا
 باب القارئ يقرأ القرآن فى ليال الى ثلث
 باب القارئ يجمع القرآن كله فى ليلة او فى ركعة
 باب القارئ يحافظ على حزه و ورده من القرآن بالليل و النهار فى صلاة و غير
 صلاة

باب القارئ يقرأ أى القرآن فى مواضع مختلفة او يفصل القراءة بالكلام
 باب القارئ يقرأ القرآن على غير وضوء او يقرأه جنبا

باب القارئ يعلم المشركين القرآن او يحمله في سفر نحو بلاد العدو
باب القارئ يستأكل القرآن و يرزا عليه الاموال و ما في ذلك من الكراهة و
التشديد
باب ما يكره للقارئ من التباهي بالقرآن و التعمق في اقامة حروفه و تعليمه غير
اهله

باب القارئ يصعق من قراءة القرآن و من كره ذلك و عابه
جماع سور القرآن و آياته و ما فيها من الفضائل
ذكر بسم الله الرحمن الرحيم و فضلها و حديثها
باب فضائل السبع الطول
باب فضائل سورة البقرة و خواتيمها و آية الكرسي
باب فضائل سورة البقرة و آل عمران و النساء
باب ذكر براءة

باب فضل المائدة و الانعام
باب فضل سورة هود و بنى اسرائيل و الكهف و مريم و طه
باب فضل سورة الحج و النور
باب فضائل تنزيل السجدة و ياسين (= يس)
باب فضل آل حم

باب فضل سورة الواقعة و المسبحات

باب فضل تبارك الذي بيده الملك

باب فضل اذا زلزلت و العاديات

باب فضل قل يا ايها الكافرون

باب فضل قل هو الله احد

باب فضائل آيات القرآن

باب فضل المعوذتين

باب حديث تأليف القرآن و جمعه في سورة و اقامة حروفه و تاليفه في مواضع

سوره و اثباته

باب الزوايد من الحروف التي خولف بها الخط

باب ذكر ما وقع القرآن بعد نزوله و لم يثبت في المصاحف

حروف القرآن التي فيها مصاحف اهل الحجاز و اهل العراق اثنا عشر حرفا
 باب لغات القرآن و اى العرب انزل القرآن بلغته
 باب اعراب القرآن و الكلام و ما يستحب للقارى من ذلك و ما يؤمر به
 باب المراء فى القرآن و الاختلاف فى وجوهه و ما فى ذلك من التغليظ
 باب عرض القراء للقرآن و ما يستحب لهم من مواخذة عن اهل القراءة و اتباع
 السلف فيها و التمسك بما يعلم به منها
 باب منازل القرآن بمكة و المدينة و ذكر اوائله و اواخره
 باب ذكر قراء القرآن و من كانت القراءة تؤخذ عنه من الصحابة و التابعين من
 بعدهم

باب تأويل القرآن بالرأى و ما فى ذلك من الكراهة و التغليظ
 باب كتمان قراءة القرآن و ما ذكره من ذلك و نشره
 باب الاسترقاء بالقرآن و ما يكتب منه و يتعلق الاستسقاء به
 باب ما جاء فى القرآن و حامله و العامل به و التارك له
 باب بيع المصاحف و اشتراطها و ما جاء فى ذلك من الكراهة و الرخصة
 باب نقط المصاحف و ما فيه من الرخصة و الكراهة
 باب تعشير المصاحف و فواتح السور و رؤس الآى
 باب تزيين المصاحف و حليتها بالذهب و الفضة
 باب كتابة المصاحف و ما يستحب من عظمها و يكره من صغرها
 باب المصحف الذى يمسه المشرك و المسلم الذى ليس بطاهر

از این متن با ارزش تا آنجا که یاد کرده اند شش نسخه در دست هست:

۱- نسخه کتابخانه توینگن آلمان شماره ۹۵ در ۶۳ برگ نوشته روز یکشنبه ۲۰ رجب ۵۶۱ که در آغاز و انجام آن نکته‌های تاریخی فراوانی می‌بینیم که از رهگذر روایت سماع این دفتر بسیار ارزنده است و در آنها به نام بسیاری از دانشمندان ایرانی و واژه "مهرویه" بر می‌خوریم.

در این نسخه روایت است از ابوذر عه طاهرین محمدبن طاهر بزاز قزوینی یا مقدسی در رباط مجاهدی برابر دجله تا می‌رسد به ابوالحسن علی بن محمدبن مهرویه بزاز قزوینی از ابوالحسن علی بن عبدالعزیز مکی در سال ۲۸۰ که خود از

هروی شنیده و از او درخواست روایت آن را کرده و او هم بدو اجازه داده بود. افسوس که عکسی که من دیده‌ام در اینجا تار و ناخوانا است و امیدوار باید بود که روزی آنها خوانده شود تا سرگذشت این نوشته کهن روشن تر گردد. من از دانشمند گرامی آقای ایرج افشار سپاسگزارم که به کوشش ایشان عکسی از آن نسخه به ایران آمده و در دسترسم گذارده شده است.

۲- نسخه ظاهریه عامه دمشق شماره ۷۶۱۵: در ۱۱۷ برگ نوشته ۶۸۹ در رباط مجاهدی بغداد برابر دجله که در پایان آن نکته‌هایی درباره روایت و سماع این نسخه گذارده شده است و در آنها هم به نام فارسی "بنیمان" و نام دانشمندان ایرانی برمی‌خوریم. این نکته‌های تاریخی و کتاب‌شناسی نیز با آنچه در شماره ۱ هست، باید سنجیده شود. نوشته‌اند که در فهرست آلبانی ۶۳۸ از این نسخه یاد شده و در الفهرست العام ظاهریه (ص ۳۸۲) یاد آن را دیده‌ام. من از دانشمند گرامی آقای صادق آیینوند بسیار سپاسگزارم که عکسی از آن را در دسترسم گذارده است.

۳- نسخه دارالکتب قاهره شماره ۷۴۱ حدیث طلعت در ۹۴ برگ نوشته ۷۲۹ که در مجله Rima ۳ (۱۹۵۷) ۲۳۰ یاد آن هست.

۴- نسخه برلین یاد شده در فهرست اهلورث (۱: ۱۷۵ ش ۴۵۱) با نشانه Pm449 و نوشته نزدیک ۷۵۰ و در آن آغاز آن آمده که یکی از شاگردان ابوجعفر محمد بن عبدالله بن الحجاج (زنده نزدیک ۳۲۰ هـ - ۹۳۲ م) مقری اسکندریه از خود او از [ابوالحسن] علی بن عبدالعزیز [مکی] در سال ۲۸۰ از خود ابو عبید قاسم بن سلام روایت کرده است. در آن ۶۴ باب بی شماره است که اهلورث در فهرست آنها را آورده است و دیده‌ایم.

۵- نسخه کتابخانه لیدن شماره ۸۲۹۴ خاوری که فان آردونک (Van Aredonk) آن را از روی نسخه برلین نوشته است (فهرست و ورهوتو Voorhoeve ص ۷۳) و عکسی از آن به شماره ۲۰۱۰۱ در قاهره هست (ذیل ۲: ۱۸۵).
۶- نسخه قاهره که در فهرست ضمیمه ۲: ۱۸۵ یاد آن هست.

آنتن اسپتالر (Anton Spitaler) "باب الزوائد التي خولف بها الخط الفي القرآن" آن را در ۱۹۵۲ در "دکومانهای چاپ نشده اسلامی" (Documenta Islamica inedita) (ص ۱-۲۴) با دیباچه و گزارش و فهرستی به آلمانی چاپ کرده و

آن را با آنچه در المصاحف ابن ابی داود سجستانی چاپ جفری و البحر ابوحیان و مختصر فی شواذ القرآن ابن خالویه و المحتسب ابن جنی* و جامع احکام القرآن قرطبی و مفاتیح الغیب رازی و جامع البیان طبرسی و کشف زمخشری آمده است، سنجیده است. از فهرستی که او گذارده می توانیم بدانیم که این روایتها برای کدام سوره و کدام آیه است.

از شادروان استاد مجتبی مینوی باید به نیکی یاد کنم که نسخه‌ای از کتاب اشپیتالرا در دسترسم گذارده است.

به نوشته ابن حجر عسقلانی در فتح الباری فی شرح صحیح البخاری (۹: ۱۷ و ۲۸ و ۵۶ و ۵۷ و ۶۲ و ۷۴ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸) آنچه در صحیح بخاری در این زمینه آمده با آنچه در این باب فضائل القرآن یاد شده از رهگذر مواد یکی است. شاید سرچشمه آگاهی این دو دانشمند یکی بوده است.

بنگرید به: الفهرست ابن ندیم ۷۸، الفهرسة ابن خیر ۶۹، بروکلمن ۱: ۱۰۶ و ذیل ۱: ۱۶۶، ترجمه عربی آن ۲: ۱۵۵، سزگین ۱: ۱۸ و ۲۸ و ۴۸ (ترجمه ۱: ۱۱۸ و ۱۸۳ و ۲۲۲) و ۹: ۷۰-۷۲، دایرة المعارف اسلامی به فرانسه ۱: ۶۱، دانشنامه ایران و اسلام ۱: ۱۰۶۷، تاریخ قرآن پرتزل به آلمانی در اندکس پایانی آن، گفتار بسیار دانشمندانه پرتزل (Prezl) در Islamica ۶ (۱۹۳۴) درباره کتب علوم قرآنی ۲۴۲ - ۲۴۳، گفتار گتسالك (V. H. Gottschalk) در مجله اسلام به آلمانی ۲۳ (۱۹۳۶) ۲۴۵ - ۲۸۹، که بهترین سرگذشت نامه هروی است، مجله ZDMG ۱۸ (۱۹۶۴) ۷۸۱ - ۸۱۴ - گفتار پارت R. Paret در دانشنامه اسلام ۵: ۱۲۰ - ۱۳۲ درباره قرائت - گفتار دخویه (De Goeje) درباره سرگذشت هروی و نسخه کهن غریب الحدیث نوشته ۲۵۲ در کتابخانه دانشگاه لیدن. (مجله ZDMG) درباره دفترهای دیگری که در این زمینه هست می توان به فهرستهای حاجی خلیفه و بروکلمن و سزگین و استوری و الذریعة نگریست. من از چند دفتر نمونه وار در اینجا نام می برم:

۱- ابو عبدالله احمد بن محمد بن سیار سیاری بصری دانشمند شیعی که دبیر خاندان طاهر: پوشنکی (۲۰۵ - ۲۵۹) بوده و تاریخدان و پزشک و برخی نوشته اند که او در ۳۶۸ (!؟) در گذشته است و برخی او را از سده سوم دانسته و گفته اند که او

* با تشدید یاء نه نون، چون لاتینی است و گرفته از «گنانوس»

در روزگار امام عسکری میزیسته است. از او است القراءات یا التنزیل و التحریف که نجاشی از گفته ابن الغضائری و نیز شیخ طوسی او را سست دین و ناستوار خوانده‌اند. حاجی میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل (۳: ۳۰۹) و در فصل الخطاب (ص ۳۰ و ۲۲۸) از او ستوده و گفته که کلینی او را ارزش داده است. او می‌گوید که من نسخه‌ای از این دفتر دارم و در پایان فصل الخطاب هم از آن بسیار آورده است (الذریعه ۱۷: ۵۲ - لسان المیزان ۱: ۲۵۲ - اعیان الشیعه ۷: ۳۲۵ - اعلام الشیعه ۴: ۴۸ - سزگین ۹: ۱۱۴ - رجال خوبی ۲: ۲۸۲). در دانشگاه تهران عکس نسخه‌ای از آن هست (۳: ۲۴۱) که محمد صالح آن را در ۱۰۷۶ نوشته و عبدالحسین خاتون آبادی آن را در همین سال با نسخه‌ای مورخ ۴۵۲ نوشته از روی نسخه مورخ ۳۲۸ سنجیده و در محرم ۱۲۵۲ وقف شده است (فهرست مرعشی در قم ش ۱۴۵۵). پس این دفتر بایستی در ۳۲۸ پرداخته شده باشد یا کهن‌ترین نسخه آن از این تاریخ است. نسخه دیگری از آن نوشته محمد طاهر سماوی در ۱۳۴۶ در کتابخانه حکیم در نجف هست (ص ۱۳۶ فهرست).

۲- هجاء مصاحف الامصار از ابوالعباس احمد بن عماد مهدوی قیروانی زنده در ۴۳۰ که در مجله معهد المخطوطات (۱۹: ۵۳ - ۱۴۱) در ۱۹۷۳ چاپ شده است.

۳- لمحات النور فی فضایل القرآن از ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد غافقی اندلسی فلاحی مورخ در گذشته ۶۱۹ که نسخه آن در بلدیة اسکندریه شماره ۱۱۵۸ ب در ۱۸۴ برگ هست نوشته ۹۷۴ (همان مجله ۵: ۱۷۵ - المخطوطات المصورة ۱: ۳۶).

۴- فضائل القرآن و ثواب من علمه و تعلّمه از بومحمد بن عبدالواحد مقدسی در گذشته ۶۴۳ نسخه نوشته ۸۶۶ در لیدن بشماره Or2467 (فهرست وورهوئو ۷۳)

۵- فضائل القرآن شمس الدین ابوالخیر محمد بن محمد جزری (۷۵۱ - ۸۳۳) نسخه دارالکتب قاهره شماره ۵۸۵ تفسیر در ۱۶۳ برگ (کحاله ۱۱: ۱۹۱)

۶- فضائل القرآن ابوبکر بن منصور که در مکتبه وطنیة تونس به شماره ۵۹۴ م هست (مجله معهد المخطوطات ۸: ۱۰).

برای تدوین تاریخ قرآن دو دفتر هروی و سیاری که هر دو از سده چهارمند بسیار سودمند میباشند همچنانکه پرتزل و نوری از آن دو بهره برده‌اند.

۲- کتاب خلق النبی و خلقه

سرگذشت نامه‌هایی که درباره پیامبر اسلام (۵۶۹-۶۲۳ م) داریم سه دسته هستند:

۱- زندگی نامه‌ها که در آنها از خود او و خانواده و نژاد و اجتماع و سیاست و آیین او همچون دیگر دفترهای قدیس‌شناسی (Hagiographie) سخن می‌رود. نخستین دفتری که در این زمینه داریم کتاب السیره و المبتداء و المغازی است از محمدبن اسحاق بصری بغدادی (۸۵-۱۵۱، ۷۰۴-۷۶۷ م) که در فاس مغرب در ۱۹۷۶ چاپ شده است. و از روی آن در قونیه در ۱۹۸۱ (۱۴۰۱) دوباره به چاپ رسیده است. دکتر سهیل زکار هم آن را در دمشق صادر ۱۹۷۶ چاپ کرده است. سرگذشت ابن اسحاق در طبقات ابن سعد جزونهم (احمد ثالث ۲۸۳۵) هست و این بند را در دیباجه سیره رسول الله چاپ آقای دکتر اصغر مهدوی (ص ز) می‌بینیم. ابن ندیم در فهرست (۱۰۵) و ابن خیر در فهرسه (۲۳۲) از وی یاد کرده‌اند. ابن حجر شافعی مصری در گذشته ۸۵۲ در فهرست مرویات خود در نسخه ۹۰۱ دانشگاه لنینگراد که من در آنجا آن را خوانده‌ام از او و از ابن هشام بصری مصری در گذشته ۲۱۲ (۸۳۴ م) گزیننده از این سیرت درسی جزو یاد کرده است. من در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه (۸: ۲۹۰) سخن او را آورده‌ام. در فهرست رماسکوپیج به روسی (ص ۳۸) یاد این نسخه هست.

دومین این دسته کتاب التاریخ و المبعث و المغازی و اقدی (۱۳۰-۲۰۷، ۷۴۷-۸۲۳) است که به فارسی هم در آمده است. سزگین در تاریخ نگارشهای عربی به آلمانی (۱: ۲۸۸ و ۲۹۴، عربی ۱: ۴۶۰ و ۴۷۰) و استوری و بریگل در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (ص ۷۶۱ و ۷۶۳ ترجمه فارسی از روسی از انگلیسی) از این دفتر یاد کرده‌اند.

۲- دفترهایی که در آنها مطالب با سند گرد آمده است مانند الموطا مالک و مسند ابن حنبل و صحیح بخاری و همانند آن و کافی کلینی و ایضاح ابوحنیفه نعمان مغربی که از مادلونگ درباره آن گفتاری به آلمانی خوانده و شنیده‌ام که به چاپ هم رسیده است و شرح الاخبار او و مسند زیدبن علی که گریفینی آن را چاپ کرده است. بهترین سرچشمه برای شناخت این دسته همان تاریخ نگارشهای عربی سزگین است به آلمانی.

۳- سالنامه‌ها مانند تاریخ طبری و مانند آن که فهرست آنها را در فهرست نسخه‌های عربی و فارسی بروکلن و سزگین و استوری و بریگل می‌خوانیم. این دسته‌بندی را کاپرونا (Pierr Carpon de Caprona) در بررسی که از قرآن در Le Coram amx Source de la Parol oraculair, Stucture rytmique des Sourates Mecquisse کرده است (ص ۸۰) آورده است.

از دسته نخستین است دفترهایی که درباره خوی و رفتار پیامبر نوشته‌اند مانند "اخلاق النبی" یا "مادکر فی خلق رسول الله و کرامته و کثرة احتماله و شدة حیائه و عفوہ" از ابومحمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان انصاری اصفهانی (۲۷۴- ۳۶۹) که سزگین (۱: ۲۰۰ و ۲۰۱، عربی ۱: ۴۲۶) از نسخه ۴۸ محمد بخاری نوشته ۵۸۵ و نسخه اسکوریال نوشته ۵۶۶ و ۵۷۰ یاد کرده و گفته که آن از روی دومی در قاهره در ۱۹۵۹ چاپ شده و ابوبکر محمد بن الولید طرطوشی در گذشته ۵۲۰ از آن گزین کرده است. و بروکلن (ذیل ۱: ۳۴۷) از ابو حیان یاد کرده ولی ازین کتاب نامی نبرده است.

دفتر ابن حیان را ابراهیم بن الحسین قرصی برای دوستی در هفت فصل به فارسی در آورده است:

- ۱- مجامع محاسن اخلاق او
- ۲- آداب و اخلاق او در خندیدن
- ۳- در طعام خوردن او
- ۴- در جامه پوشیدن او
- ۵- در بیان تواضع و حلم و عفو کردن او
- ۶- در بیان سخاوت و شجاعت و سلاح او
- ۷- در آداب و اخلاق در مسائلی از هر نوع

قرصی در ترجمه می‌گوید که سندها را نیاوردم و آنچه مکرر بود یاد نکردم پس باید برای آشنایی با سندها متن عربی آن را دید.

نیز از این دسته است آداب النبی به فارسی که برای صدر کبیر نایب الدوله و الوزارة و الامارة حسام الدین حسین بن محمد الفقیر در دوازده باب ساخته شده است:

- ۱- آداب آموزانیدن حق تعالی پیغامبر اعلم قرآن

- ۲- مجامع محاسن او
 - ۳- در بیان سخن گفتن و خندیدن او
 - ۴- در بیان آداب در طعام خوردن
 - ۵- در بیان آداب او در ملبوس
 - ۶- در بیان عفو او با وجود قدرت
 - ۷- در بیان چشم فرو خوابانیدن و مسامحه کردن از آنچه مکروه او بود
 - ۸- در بیان شجاعت او
 - ۹- در بیان تواضع او
 - ۱۰- در بیان صورت و خلقت او
 - ۱۱- در بیان معجزات او
 - ۱۲- در بیان وضوء او
- (فهرست فیلمها ۱ : ۴۲۰)

گویا کهن‌ترین دفتری که در این زمینه داریم شمایل ترمذی در گذشته ۲۷۰ باشد که به فارسی هم در آمده است و صفة النبی ابوعلی محمد ابن شعيب انصاری دمشقی (۲۶۶ ۳۵۳) (سزگین ۱ : ۳۰۲، عربی ۱ : ۴۸۵) نیز مکارم الاخلاف رضی الدین ابونصر حسن طبرسی شیعی که چند بار ترجمه شده است و سفر السعادة یا الصراط المستقیم مجدالدین محمد فیروز آبادی (۷۲۹-۸۱۷) به فارسی که در ۸۱۴ (۱۴۰۱) به عربی در آمده است.

(ستوری فارسی ۷۶۵ و ۷۶۹ و ۷۸۱ - سزگین ۱ : ۱۵۶، عربی ۱ : ۲۴۵ - بروکلن ۲ : ۱۸۳).

سیدعلی همدانی را اسناد حلیه رسول است (استوری فارسی ۷۸۷ - سرگذشت‌نامه و فهرست تویفل به آلمانی ۴۸).

در زبان ترکی حلیه رسول محمدبیک ایاس پاشازاده خاقانی در گذشته ۱۰۱۵ داریم که ترجمه الحلیه النبویه عربی است و سروده او در ۱۰۰۷ (نشریه ۱۱ و ۱۲ : ۴۱۷) در فهرست گنج بخش منزوی (۵- ۱۹۶۴) از سه حلیه مبارک فارسی یاد شده است که تازه است.

گویا بهترین دفتری که در این زمینه داریم "خلق النبی و خلقه" باشد به عربی از ابوبکر محمدبن عبدالله بن عبدالعزیزین شاذان واعظ مذكر اندرزگر رازی در

گذشته ۳۷۶ که به دنبال سخنان صوفیان می‌رفته و بسیاری از آنها را گرد آورده است. سلمی نیشابوری در طبقات الصوفیه نگارش او را پایه و بنیاد کار خویش ساخته و در چندین جا هم از او یاد کرده است. در ترجمه قشیریه هم یاد او هست. در طبقات خواجه انصاری هروی نیز نام او را می‌بینیم (مانند ۵۲۵ و جز آن) صدی (۳: ۳۰۸) سرگذشت او را آورده و در تاریخ بغداد (۵: ۴۶۴) هم سرگذشت او هست. سزگین (۱: ۶۶۶، عربی ۲: ۴۸۶) تنها از حکایات الصالحین او یاد کرده و گفته که شاید سرچشمه با ارزش طبقات سلمی همین دفتر باشد. در فهرست بیدن (۴: ۶۰ ش ۱۷۳۵ وارنر ۳۴۷) و یادنامه وارنر (ص ۴۰) یاد او هست.

در تاریخ بغداد خواجهگان و مشیخه روایت او بدین گونه بر شمرده شده است: یوسف بن حسین رازی، ابوبکر کتانی، ابومحمد حریری، ابوبکر طاهر ابهری، ابوبکر شبلی و دیگران. نگارنده این تاریخ می‌گوید که ابوحازم عبدوی در نیشابور و ابوعلی بن فضاله نیشابوری در ری و ابونعیم حافظ در اصفهان از او برای ما روایت کرده‌اند و ابونعیم می‌گوید که وی با ابواسحق مزکی به بغداد آمده و من از او حدیث شنیده‌ام. خود او از یوسف بن حسین رازی و ابن عقده و گروهی روایت کرده است. او راست سخنان ناپسند و شگفت‌انگیز به ویژه در داستانهای صوفیان چنانکه در العبر آمده و حاکم نیشابوری از او خرده گرفته است و ابو عبدالرحمن سلمی سخنان شگفتی از او آورده است (شذرات الذهب سال ۳۷۶).

من نخستین بار در "نگارگری سرزمینهای اسلامی" (Paintings from Islamic Lands از ر. پیندر - ویلسن (R. Pinder-Wilson) چاپ ۱۹۶۹ در گفتار س. م. اشترن (S. M. Stern) به انگلیسی به عنوان: يك نسخه از کتابخانه امیر عبدالرشید غزنوی آشنا شدم. چنانکه او می‌نویسد بروکلین از آن آگاهی ندارد، سزگین هم از او در بخش تصوف یاد کرده نه در حدیث و این دفتر را هم گویا ندیده و نامی از آن نبرده است. اشترن در پنج بند از آن و نسخه آن با آوردن چندین تصویر آن بررسی خوبی کرده که شایسته است ترجمه شود. من از استاد بزرگوار آقای دکتر یحیی مهدوی سپاسگزارم که عکسی از نسخه آن را در دسترسم گذارده است و چشم براهم که از کتابخانه دارنده نسخه به من اجازه نشر آن داده شود، چون شرط شده است که به چاپ نرسد. اینک گزارشی کوتاه از روی خود نسخه و گفتار اشترن در اینجا می‌آورم:

نسخه به نسخ روشن معربی است آراسته که ابوبکر محمد بن ابی رافع وراق در شهر غرنه برای ابومنصور عزالدوله عبدالرشید پسریمین الدوله محمود غزنوی (۴۴۱-۴۴۲) نوشته است.

سه نسخه دیگر سراغ داریم که پیش از آن نوشته شده است: قرآن نوشته ابن بواب در گذشته در ۳۹۱ در چستربیتی، دیوان سلامه بن جندل (نوشته همان) که نزدیک ۴۲۳ مرده است، جاویدان خرد مشکویه رازی نوشته ۴۳۹ ش ۶۶۲ مارش در اکسفورد (همین گفتار اشترن ص ۱۸ - سزگین ۲: ۱۹۳ - دیباچه من بر جاویدان خرد ۳۱) جز قرآنها که در فهرستها یاد شده است؛ مانند دو قرآن وقف ۳۹۳ و ۴۲۱ آستان رضوی (گلچین معانی ۱۷ و ۱۸).

باری در این دفتر نخست دو واژه "خلق، خلق" گزارش شده است (۴) سپس چهار روایت از چهار تن هریک با افزوده‌ها (زوائد) درباره پیکره و رفتار پیامبر آمده و به خوبی تفسیر شده و این تفسیر از رهگذر زبانشناسی عربی بسیار ارزنده است و با گواهیهای نظم و نثر از بزرگان زبانشناس است و این می‌رساند که رازی خود یکی از واژه‌شناسان آگاه می‌باشد. اینک روایتها:

۱- از امام امیرمؤمنان علی (ع) (۹) که رازی آن را از ابوسعید عثمان سجستانی از پدرش از ابونصر محمد بن خویین حامد بن دلویه ترمذی در خانه‌اش در ترمذ روایت می‌کند و می‌رساند تا به ابراهیم بن محمد از تبار امام علی (ع) و تا به نافع بن جبیر. این روایت را در ترجمه سیرت ابن اسحاق (باب ۱۶ ص ۳۹۸) با ترجمه فارسی می‌بینیم.

این روایت در آن در این باب که در معراج است آمده است و داستان معراج در سیرت ابن اسحاق (بند ۴۶۱ - ۴۶۸) نیز دیده می‌شود.

در بحارمجلسی (مجلد ۶ باب ۸ "اوصافه فی خلقته و شمائله" چاپ تازه ۱۶: ۱۴۴) روایتی از عبدالله بن سلیمان از انجیل و روایتی از علی (ع) و هندی بن ابی هاله که یاد خواهد شد با تفسیر آن از معانی الاخبار ابن بابویه قمی رازی (ص ۷۹ چاپ تازه) که بسیار ارزنده است و آداب پیامبر از مناقب این شهر آشوب آمده است. این بند در معانی الاخبار باب معانی الفاظ وردت فی صفة النبی (ص ۷۹ - ۸۹) به روایت هندی بن ابی هاله با تفسیر ابواحمد حسن عسکری آمده است. در الغارات ابواسحاق ابراهیم کوفی اصفهانی (۱: ۱۶۱ - ۱۶۹) همین روایت آمده و محدث

ارموی آن را از روی متون لغوی و خبری تفسیر کرده است .

۲- از عایشه (۴۱ ر) به روایت از ابو عبدالرحمن حنبل بن احمد بن حنبل فارسی که می رسد تا جعفر بن محمد از پدرش با روایت دیگر (۶۹ ر) از ابوسعید عثمان یاد شده از پدرش، همانگونه که یاد کرده ام، تا می رسد به عروه و روایتی دیگر از ابوسعید خلیل بن عبدالعزیز سجستانی تا برسد به همان عروه (۷۱ ر). در همین جا عنوان "فی ولادة النبی مختونا" می بینیم که کاربونا (ص ۹۶) به مانند آن اشارتی دارد .

نمی دانم روایتی که در بحار (همانجا ۱۴۸) از حسن بن عبدالله بن سعید عسکری از عبدالله بن محمد عبدالعزیز آمده است با اینها چه پیوندی دارد؟

۳- هندبن ابی هاله تمیمی به روایت از همان ابو عبدالرحمن حنبل فارسی (۷۱ پ) تا می رسد به جمیع بن عمر عجللی از مردی مکی از ابن ابی هاله از حسن بن علی از خالش هند یاد شده که گزارشگر (وصاف) بوده است .

۴- ام معبد خزاعی (۹۸ ر) به روایت از همان ابوسعید عثمان سجستانی تا می رسد به ابی معبد خزاعی از همان ام معبد که رازی این وصف را از همه وصفها بهتر می داند (۱۰ ر) .

سپس (۱۲۷ ر) روایت انس بن مالک است در وصف پیامبر، روایت از ابوسعید خلیل بن عبدالعزیز سجستانی تا حمید .

آنگاه (۱۳۰ پ) "باب فی طیب رسول الله" است به روایت از انس از راه همام ابوسعید سجستانی و به روایت از امام علی (ع) از راه عثمان بن ابی عمیر تا برسد به حکم بن حجل از پدرش نیز از عایشه از راه همان ابوسعید تا عروه . بویهای خوشی که برمی شمرد مشک است و عنبر و غالیه و عود و کافور و سلک و ذریره کاذب و خلوق .

سپس (۱۴۴-۱۵۳ پ) درباره موی و روی پیامبر و چشم او به روایت از امام علی و انس و جابر و مجاهد از روی کتاب ابن ابی خیشمه که در سه فصل است : موی چهره او، سفید شدن چند تار آن، رنگ کردن آن .

ابن ابی خیشمه ابوبکر نسائی (۱۸۵ - ۲۷۹) تاریخی بزرگ دارد که پاره ای از بخش ۸ و ۹ در ۱۰ برگ آن را در قرابین فاس یافته اند و به نوشته سزگین (۱ : ۳۱۹ ، عربی ۱ : ۵۱۲) آن سرچشمه تاریخ طبری است . این بند هم شاید از همین تاریخ باشد .

از این پس این نکته‌ها را در آن می‌بینیم:

- ۱- وصف پیامبر از براء بن عازب با تفسیر (۱۵۳ ر)
- ۲- وصف پیامبر از جابر بن سمره با تفسیر (۱۵۶ ر و ۱۷۱ ر)
- ۳- شکل خاتم پیامبر به روایت خطابی از ابن عمر و ابی رتمه (۱۷۱ پ)
- ۴- وصف پیامبر از ابوهریره با تفسیر (۱۷۴ ر)
- ۵- وصف پیامبر از علاء بن خالد (۱۷۷ ر)
- ۶- وصف پیامبر از ابوالطفیل با تفسیر (۱۷۸ پ)
- ۷- وصف پیامبر از ربیع، ابوسعید خدری، انس، حرث بن جز، قرط بن ربیع، جایر، هند بنت جون خزاعی (۱۸۰ ر)
- ۸- خبری از ابوسعید عثمان تا عایشه (۱۹۴ پ)

ابن اسحاق (۴۲۹ ص ۲۵۸) در اینجا روایت ساده‌ای آورده است

- ۹- نبات الورد من عرق النبی به روایت از انس بن مالک از راه ابوسعید عثمان از پدرش ابو عمر از ابوبکر محمد بن حامد وراق در بلخ (۱۹۵ پ)
- قاضی محمد سعید قمی (۱۰۴۹ - ۱۱۰۳) الحدیقة الوردیة فی السوانج المعراجیة ساخته ۱۰۹۹ در سپاهان را درباره همین مسأله که در علل الشرایع ابن بابویه رازی آمده نوشته است (فهرست دانشگاه ۶: ۲۱۳۲) که گل سرخ از عرق پیامبر و گل زرد از عرق براق است که از چهار پایان بهشت است.
- ابن بابویه در نوادرالعلل آن که باب ۳۸۴ است و نزدیک به پایان کتاب به روایت او از پدرش تا برسد به محمد بن حسن صفار این نکته را آورده است.
- ۱۰- "کون النبی نورایی فی الظلم کما یری فی الضوء" از عایشه از راه ابوسعید عثمان (۱۹۵ پ).

درباره پاره‌ای از دشواریهای این کتاب و مانند آن می‌توان به همان کتاب کارپونا ص ۷۶ و ۹۴-۹۶ و ۴۲۴ و تاریخ پیامبر از محمد حمیدالله به فرانسه بند ۷۸ ص ۵۰ و ترجمه سیرت ابن هشام ۱۴۱ و ۱۴۹ و سیرت ابن اسحاق بند ۲۸ تا ۳۲ و ۳۳ و ۷۱ نگریست. در بحار مجلسی نیز همان بخش یاد شده جای جای از پاره‌ای از مطلبهای این کتاب و مانند آن یاد شده است.